

مراد از این انسان ابو جبرئیل است لعنه الله علیه عازن حق تعالی یا در کرد و قیل بر قدرت
خود کرد و پیرانند کند و عذاب کند و ان ولست کرد بعضی آدمی کافر بود پس گفت جل جلاله
الرحمن الرحیم انما وید بر من بر او می راد چشم من و لیسانا و زبان کویا و شقیان
و دلب بر بالای دندانها و هکذا فی الجحیم و نمودم بر او و راه راه یکی و راه یکی
و قیل و بستن به در آن خدای که قدرت بر آفریندن این چیزها قادر است بر هر چیزی
که خواهد بود و هر که اندک پس حال کافر انداند و حسرت بر او کرد و بر او در حق رسول صلی الله
علیه وسلم می اندازد و قدرت بر هلاک کردن او و زنده کردن او و عذاب کردن او این کافر
عذاب آخرت غفلت و غم آن ندارد و نمیداند که جزاه دشوار در پیش دارد و استعدا
آن نمیکند حق تعالی از غفلت آن انسان خبر کرد و گفت جل جلاله فلا اقتحم العقبة
پس منور از آن کافر که شت است راه دشوار را که آن عقبت قیامت و قیل پس او که شت است
راه قیامت را که راه دشوار است و قیل پس او که شت است بر رخ و سخی از بلا بقول کعب
اجباران عقبت منم و در که در وقت بقول دیگر گویمت در دوزخ نماده شده است
از می بار یکتره و از شمشیر تر و از آتش سوزان تر مسافت وی سه هزار سال است
نزار بر آید و هزار سال هواری و هزار سال فرود بر جوشن حقیق خبری باشد که از
تا آفتاب فرودشن بعضی همچون برق بگذرند و بعضی همچون باد و بعضی همچون تیز و بعضی

همچون پیاده روان و بعضی غیر غیران و بعضی فشد در دوزخ و شواخ شد گشت
و بعضی دوان دوان و بقول بعضی مراد از آن عقبت اهل صالحی است بطریق استعاری استعاره
مصریه کرده در اعمال صالحه را تشبیه کرده است بگشتن از عقبت پس معنی آن تقدیر
یعنی باشد که کند آن کافر عملهای نیک را که سبب شد آن مر خلاصی و بر او از دوزخ
دان عملهای صالحی نیست که بیان کرد و گفت جل جلاله و ما ادریک ما للحق
و توجه دانی ما هر که حقیقت بگردد گشتن از عقبت فک رقیبه گشتن کردن از بندگی
یعنی بنده را آزاد کردنت او اطعام یا دادن خوردنت فی نوره ذی
استغیبه در روزی که روی کرسکی باشد یعنی تا زمانی که پیری را که بوی
فوتی باشد یعنی فروخت و ندی باشد او مسکینا ذامتیه یکدانی یا در و نشی را که بر کاف
نشاده باشد معنی طعام دادن از برای رضای حق تعالی باشد از برای روی ریا باشد
که کان من الذین آمنوا با بر باشد از آن کسی که ایمان آورده اند یعنی این
کافر که کفاره و طعام دهند از مومنان باشد از کافران و تو اصوا بالصبر وان
اصبران یکدیگر را وصیت کننده باشند و صبر در بلا و طاعتها بکنند و تو اصوا
بالحق و صیت کنند یکدیگر را بر هر کج که در جهنم اولیک اصحاب الحصه
استند که راست باشند یعنی مانه انشا زار و قیامت در دست را